

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۱۵۸ - ۱۳۹

محدوده. اشخاص و کارکرد اجتماعی اخلاقی صله رحم

^۱ زهرا صادقی

^۲ زهره نیک فرجام

^۳ فریبا پهلوانی

^۴ عباس سماواتی

چکیده

صله در لغت به معنای: احسان، دوستی و ارتباط آمده است و مراد از ((رحم)) خویشاوندان و بستگان می باشد. و به عبارت دیگر محبت و سلوک داشتن با خویشان و نزدیکان است. رابطه خویشاوندی اصطلاحی است که معرف نوعی ارتباط اجتماعی است. ارتباطی که در اثر ارتباط متقابل زن و شوهر، والدین و فرزندان یا خواهران و برادران پدید آمده است. با توجه به آیه ۶ سوره احزاب و ۷۵ سوره انفال می توان فهمید که میان خویشاوندان سلسله مراتبی وجود دارد، به عبارت دیگر خویشاوندان نزدیکتر در ارث بری و صله رحم مقدم و از اهمیت بیشتری برخوردارند و نسبت به صله در اولویتند. بر طبق حدیثی از امام صادق (ع): هر کس که از حسب و نسب خود بیزار می جوید به پروردگار یکتا کافر می گردد.

واژگان کلیدی

صله، خویشاوند، نفقه، نسب، سبب.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: zs.sadeghi2014@gmail.com

۲. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: zohrehnik@gmail.com (نویسنده مسئول)

۳. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: fatemeoveysi1366@gmail.com

۴. استادیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد یادگار امام خمینی(ره) شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
Email: ab.sama@chmail.ir

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۷/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۵/۹

طرح مسأله

در جامعه امروزی ما مقالات و کتابهای متعددی در خصوص صله رحم تدوین و چاپ گردیده، همچنان که احادیث و روایات بسیاری در این خصوص در کتب و منابع فقهی شیعه و سنی موجود است. از قبیل آثار معنوی صله رحم، نقش صله رحم در تحکیم خانواده، مفاهیم و مصطلحات مفهوم صله الرحم، الاسلام و صله الرحم و ... اما یک سوال همیشه ذهن افراد را درگیر می کند که چه کسی یا کسانی جزء خویشاوندان ما محسوب می شوند؟ و وظایف ما در مقابل آنها چیست؟

لذا از این رو در این مقاله سعی می شود پس از پرداختن به واژه صله رحم، گستره حوزه خویشاوندی و اندکی از وظایف خویشاوندان را در مقابل هم مورد بررسی قرار دهیم.

بشر موجودی اجتماعی است که زندگی او همراه با دیگران معنی و مفهوم واقعی خود را می یابد و همکاری آنان سبب رشد و تکامل او خواهد شد، آفریننده حکیم برای رسیدن به این منظور، انسان را با ویژگی هائی آفریده و تعالیمی برای حفظ و تقویت ارتباط با دیگران و ایجاد همدلی قرار داده است، که یکی از مهمترین آنها صله رحم و حفظ پیوند خویشاوندی است.

اجتماع بعد از محیط خانواده، دومین خانه ی هر انسانی است که همه ی آحاد بشریت در آن حضور یافته و به لحاظ اخلاقی پرورش می یابند و به تبع آموزه های اخلاقی در این مکتب، تأثیر پیشگیری و اصلاحی می توانند داشته باشند که یکی از این آموزه ها صله رحم و یکی از مؤلفه های کلیدی و برجسته ی سبک زندگی دینی در حوزه ی ارتباطات انسانی، ارتباط با خویشاوندان است.

خویشاوندان که هسته های اولیه جامعه بشری را تشکیل می دهند، با یکدیگر ارتباط عاطفی و ژنتیک دارند و می توانند در سختی ها به کمک هم شتافته، نقص ها و کمبود های هم را جبران کرده و بهترین زمینه ها را برای رشد و تعالی یکدیگر فراهم آورند؛ و هم چنان که پیوند واقعی دارند، یک ارتباط گرم و صمیمی و استوار را نیز در خارج ایجاد کنند.

صله رحم و پیوستن به خویشاوندان مهمترین و بارزترین نمونه زندگی کردن در متن جامعه به شمار می رود که لازم است بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد.

در زندگی امروز میان خانواده های ایرانی، متأسفانه یکی از مسائل و مشکلات جدی قطع یا کاهش صله رحم می باشد. این امر موجب وارد شدن آسیب هایی به فرد یا جامعه می شود؛ از جمله آسیب های فردی می توان به از دست دادن سلامت جسم و جان، ایجاد اختلافات خانوادگی و ... و از آسیب های اجتماعی می توان به طلاق، اعتیاد، فقر، روابط نامشروع و ... اشاره کرد.

دید و بازدید از خویشاوندان، همسایگان و دیگر افراد جامعه، یکی از رفتارهای اجتماعی می باشد و این امر مورد توجه اسلام قرار داشته و تاکیدات فراوانی با عنوان صلہ رحم بر آن شده است. معاشرت ها و دید و بازدید ها، گاهی به صورت میهمانی محدوده صلہ رحم نه فقط صرفاً به ارتباط خویشاوند با اقوام سبی و نسبی بر می گردد بلکه ارتباط با اولیاء الهی، مومنان و هر گروه و یا فردی که به نحوی حق بر گردن فرد مومن دارد را شامل می شود. محدوده صلہ رحم نه فقط صرفاً به ارتباط خویشاوند با اقوام سبی و نسبی بر می گردد بلکه ارتباط با اولیاء الهی، مومنان و هر گروه و یا فردی که به نحوی حق بر گردن فرد مومن دارد را شامل می شود.

راوی از امام صادق (ع) سؤال کرد: تَكُونُ لِي الْقَرَابَةُ عَلَيَّ غَيْرُ أَمْرِي أَلَيْسَ عَلَيَّ حَقٌّ؟ قَالَ: نَعَمْ حَقُّ الرَّحِمِ لَا يَقْطَعُهُ شَيْءٌ وَإِذَا كَانُوا عَلَيَّ أَمْرُكُمْ لَهُمْ حَقَّانِ حَقُّ الرَّحِمِ وَ حَقُّ الْإِسْلَامِ. بستگان من بر غیر دین من هستند آیا باز هم برای آنان حقی به گردن من هست؟ حضرت فرمود آری حق رحم حقی است که به هیچ چیز ساقط نمی شود و اگر بستگان تو بر دین تو بر دین تو بودند دو حق بر تو داشتند حق رحم و حق هم‌کیشی.^۱

صله در لغت به معنای

احسان، دوستی و ارتباط آمده است و مراد از ((رحم)) خویشاوندان و بستگان می باشد.^۲ و به عبارت دیگر محبت و سلوک داشتن با خویشان و نزدیکان است.^۳ رحم در اصل همان رحم زن است و استعاره برای نزدیکان و خویشاوندان به کار می رود به این جهت که آنها از یک رحم شکل گرفته اند.^۴ مراد از رحم نزدیکانی هستند که از طریق نسب به فرد پیوند دارند.^۵ رحم عبارت از آن جهت وحدتی است که به خاطر تولد از یک پدر و مادر و یا یکی از آن دو در بین اشخاص برقرار می شود و در حقیقت باعث اتصال و وحدتی است که در ماده و وجودشان نهفته است.^۶ رحم هر خویشاوندی را گویند که عرفاً مردم او را از ارحام و اقوام خود بدانند.^۷

۱- بحار الانوار ج ۱۶ ص ۲۹

۲- فرهنگ عمید

۳- لغت نامه دهخدا

۴- مفردات راغب ص ۹۱

۵- فیض کاشانی، محجه البیضاء، ج ۳، ص ۴۳۴ به نقل از شهید ثانی

۶- علامه طباطبائی، تفسیر المیزان ج ۲ ذیل آیه سوره نساء

۷- بحار الانوار ج ۷۴ ص ۱۳۰

معنی صلّه که امر به آن شده آن چیزی است که در عرف و عادت آن را صلّه نامند، زیرا که حقیقت شرعی و لغوی از برای این لفظ، ثابت نیست^۱. به عبارت دیگر صلّه رحم یعنی انسان پیوند عاطفی خود را با خویشان نسبی استمرار بخشد و هیچ گاه ارتباط و علاقه خود را با آنها قطع نکند. و چون خویشاوندان انسان از نظر نیازهای انسانی و عاطفی متفاوتند باید در برابر هر نیاز پاسخ متناسب داد.^۲

در مقابل صلّه رحم قطع رحم می باشد که عبارت است از ترک رسیدگی به خویشان و بستگان.

خویشاوندان و خانواده در دو نگاه

ادیان توحیدی در این امر تبار شناختی تردیدی ندارند که حضرت آدم و حوا علیهما السلام پس از آفرینش معجزه آسا، تشکیل خانواده دادند و فرزندان و نوادگان آن دو نیز با پای بندی به سنت ازدواج، شفافیت نسبت زناشویی و انتساب فامیلی را پاس می داشتند. تا جایی که حافظه تاریخ مکتوب نشان می دهد سایر انسانها نیز بیگانه با نام خانواده و خویشاوند، نزیسته اند. در عین حال اختلاف ریشه‌ای بین نگاه قرآن و دیدگاه آلوده به توهم‌های هوس آلود بشری نسبت به معنا و رابطه معنایی - حقوقی، این دو عنوان به چشم می آید که مطالعه دقیق آن می تواند کمکی باشد، به پاسداری از نظام خانوادگی در اسلام.^۳ لذا در این مجال به تعاریفی از خویشانان، خانواده و می پردازیم.

خانواده

بنیادی ترین و طبیعی ترین و کهن ترین و عام ترین واحد اجتماعی، خانواده است که مبداء و منشاء تکون سایر واحدهای متوسط و کلان اجتماعی همچون عشیره، خویشاوندان، قبیله و به طور کلی، جامع انسانی محسوب می گردد. خانواده بر اساس تحقیقات مردم شناختی، ادوار مختلف را پشت سر گذاشته و در قالب الگوهای بسیار متنوعی تجلی و تظاهر کرده است. عمده ترین تقسیم بندی ادواری خانواده، انقسام آن به دو نوع هسته ای و گسترده می باشد.^۴

۱- منهج الیقین ص ۲۰۹

۲- آداب معاشرت با خویشاوندان ص ۴۴

۳- پژوهشهای قرآنی ج ۴۹ ص ۲

۴- پژوهشهای قرآنی ج ۴۹ ص ۲

عشیره و خویشاوند

دومین واحد اجتماعی بعد از خانواده عشیره می باشد. مفهوم عشیره که در فارسی از آن تحت عناوینی همچون فامیل، خویشان، خویشاوندان، خاندان، قوم و خویش، بستگان، متعلقان، منسوبان، اقارب، اقرب، اقوام، ارحام [علاوه بر آن بر طبق نقل دهخدا، لحمه، نسب، عترت، عشیرت، آل] یاد می شود، هر چند در عربی غالباً به خویشاوندان نسبی اعم از دور و نزدیک (اولو الارحام) منصرف است.^۱

اما در زبان فارسی علی الظاهر، خویشاوندان سببی نیز جزء مصادیق این مفهوم به شمار می آیند و شاید معلول مناسب برای مفاهیم متعارف فوق در زبان فارسی، واژه های اقارب، ذوی القربی، قربی و ... در زبان عربی باشد که همه خویشاوندان را در بر می گیرد.

دودمان

هر چند تفاوت روشن و درخور ذکری میان مفهوم ((دودمان)) با مفاهیم خویشاوند، قبیله و عشیره به چشم نمی خورد و به ظاهر با توضیح آنها ضرورت چندانی به طرح، به صورت مستقل، احساس نمی شود، برخی مردم شناسان در نام گذاری سلسله مراتب شبکه خویشاوندی، آن گاه که به صورت خطی در پهنه زمان ردیابی شده و در غایت به به مبداء واحدی منتهی گردد، این مفهوم را به عنوان معرف دیگری در توصیف شبکه خویشاوندی به کار گرفته اند.

دودمان، یک گروه هم‌تبار تک خطی است که از آدم هایی ترکیب می شود که می توانند شجره شان را از طریق پیوندهایی با یک نیای مشترک ردیابی کند، بر حسب آن که این گروه تبارش را از پشت پدری یا پشت مادری ردیابی کند، دودمان مادری نامیده می شود.^۲

طایفه یا کلان

یکی دیگر از مصطلحات رایج در مردم شناسی و به تبع آن در جامعه شناسی، مفهوم طایفه یا کلان می باشد. این مفهوم نیز همچون دیگر مفاهیم این باب یا به علت برخی ابهامات در موارد صدق و حدود و شعور آن، تعاریف مفهومی و توصیفی متعددی را حول خود گرد آورده است، به طور کلی و به عنوان وجه جمع میان تعاریف مختلف می توان گفت: به مجموعه ای از انسان ها که با یکدیگر رابطه خویشاوندی داشته و نیای واقعی یا اسطوره ای مشترک مثبت نسبت بدانند، طایفه گفته می شود و بر تجمع چند طایفه که با برخی مشترکات ثانوی، همچون اعتقادات مذهبی واحد یا سکونت در یک منطقه جغرافیایی داشتن فرهنگ و آداب و رسوم مشترک، تعلق و پیوند ویژه ای را میان خویش احساس کنند، کلان اطلاق

۱-ر.ک به تفسیر آیه و اندر عشیرتک الاقریین

۲-دانیل بیتس و فرد پلاک، انسان شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، ۱۳۷۵ ص ۵۴۳

می گردد.

یکی از مردم شناسان در توضیح مفهوم طایفه می نویسد: طایفه گروهی است متشکل از افرادی که بر اساس قاعده خویشاوندی نسبی در یک خطی unilineaire مدعی جد مشترک هستند. در اسلوب خویشاوندی نسبی غیر خطی، گاهی از خویشاوندی شاخه ای Ramage صحبت می شود.^۱

قوم

قوم به گروهی از افراد، که در یک جهت واحد و به اعتبار یک ملاک خاص، همچون نسب و نژاد و زبان و آداب و رسوم و ایدئولوژی و تبعیت از یک رهبر با یکدیگر پیوند و اشتراک داشته باشند، اطلاق می شود.^۲

ملت

یکی از مفاهیم نوظهور و متعارف عرف سیاسی، که در قلمرویی وسیع تر از حیطه شمول برخی مفاهیم سنتی همچون طایفه و عشیره و قبیله و قوم به کار برده می شود، مفهوم ملت است.^۳

امت

گسترده ترین مفهوم در میان مفاهیم معرفت‌تجمعات انسانی، مفهوم امت است. امت در اصطلاح به مجموعه ای از انسان‌ها اطلاق می شود که حداقل در یک جهت حقیقی یا اعتباری، اشتراک و وحدت داشته باشند. این ملاک وحدت در هر چیزی می تواند باشد.^۴

ارحام روحانی

علاوه بر خویشاوندان نسبی به عنوان مصداق منحصر ارحام، واژه رحم، اب، اخ، ذوی القربی و در مورد مصداق دیگری نیز به کار رفته است که حلقه اتصال و موضع ارتباط ایشان با عموم مومنان در تعلقات روحانی و معنوی خلاصه می شود.^۵

ارحام روحانی بر اساس آنچه از روایات استفاده می شود عبارتند از:

۱- پیامبر اکرم

۲- ائمه معصومین (ع)

۱- تحلیل اجتماعی صله رحم ص ۱۲۱

۲- تحلیل اجتماعی صله رحم ص ۱۲۵

۳- تحلیل اجتماعی صله رحم ص ۱۲۹

۴- تحلیل اجتماعی صله رحم ص ۱۳۰

۵- تحلیل اجتماعی صله رحم ص ۱۳۵

۳- علمای ربانی (در رتبه بعد اساتید و معلمان)

۴- صلحای مومنان (یا عموم مردم)

۵- سادات

نظام خویشاوندی

نظام خویشاوندی و شبکه های ارتباطی آن نزد جوامع مختلف با ویژگیهای اقتصادی متفاوت یکسان نیست، در جوامع غیر تجاری و غیر صنعتی پیدایش مناطق مختلف زندگی اجتماعی تحت تاثیر ارتباطات خویشاوندی است. ارتباطات میان فردی و اتحادیه های قومی، قبیله ای و سیاسی که در مناطق مختلف با شیوه ی معیشتی غیر تجاری و غیر صنعتی به وجود می آیند که عمدتاً ناشی از ویژگیهای ساختی خویشاوندی است. این ارتباطات و همبستگی های خویشاوندی از چنان اهمیتی برخوردارند که مسائل مربوط به گروه و زندگی آنها را در بر می گیرد.^۱

تعریف خویشاوندی

رابطه خویشاوندی اصطلاحی است که معرف نوعی ارتباط اجتماعی است. ارتباطی که در اثر ارتباط متقابل زن و شوهر، والدین و فرزندان یا خواهران و برادران پدید آمده است.^۲ به عبارت دیگر خویشاوندی بر دو گونه است: ۱- نسبی ۲- سببی خویشاوندی نسبی پیوندی است که از راه وحدت خود و رحم پیدا می شود مانند: پدر، مادر، برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی، خاله، جد و جده و فرزندان آنان.

اصطلاحات خویشاوندی

اصطلاحات خویشاوندی بیانگر مناسبات بین افراد یا گروههایی از افراد با یکدیگر است. خویشاوندان در واقع کسانی هستند که به نحوی از انحاء با فرد مناسباتی دارند. اصطلاحات خویشاوندی نقشهای مهم اجتماعی را به فرد نسبت می دهند و این نقشها را در خود منعکس می سازند. اما به دلیل اینکه هیچ دو آدمی نیست که نقشهای خویشاوندی یا هر نقش دیگری را درست مانند یکدیگر تعبیر نمایند.^۳

گستره حوزه خویشاوندی

بر اساس آیه ۲۳ سوره نساء نسب هفت گروه از زنان بر مردان حرام می شوند:

حُرْمَتٌ عَلَیْكُمْ اُمَّهَاتُكُمْ وَ بَنَاتُكُمْ وَ اَخْوَاتُكُمْ وَ عَمَّاتُكُمْ وَ خَالَاتُكُمْ وَ بَنَاتُ الْاَخِ وَ بَنَاتُ الْاُخْتِ

۱- درآمدی بر خانواده و خویشاوندی دکتر محمد صادق فرید ص ۱۸۷

۲- درآمدی بر خانواده و خویشاوندی دکتر محمد صادق فرید ص ۱۹۰

۳- درآمدی بر خانواده و خویشاوندی دکتر محمد صادق فرید ص ۲۲۵

وَأُمَّهَاتِكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتِكُم مِّن الرِّضَاعِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِكُمُ اللَّائِي فِي حُجُورِكُمْ مِّن نِّسَائِكُمُ اللَّائِي دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ أَصْلَابِكُمْ وَإِن تَجَمَّعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُوراً رَّحِيماً.

حرام می شود بر شما مادرانتان ، دخترانتان ، خواهرانتان ، عمه هایتان ، خاله هایتان ، دختران برادرانتان و دختران خواهرانتان تا آخر.

۱ - مادران

مادر و مادر بزرگ هر چه بالاتر برود پدری باشد یا مادری.

۲ - دختران

و این کلام در دختر صلبی و دخترانش و هر چه پایین رود و دختران پسر و هر چه پایین رود.

۳ - خواهر

خواهرهایی که از طرف پدر باشند یا مادر یا هر دوی آنها (پدری یا مادری) بالاتر و پایین تر.

۴ - عمه

خواهرهای پدر و پدر بزرگ و هر چه بالاتر رود چه بالا روند.

۵ - خاله

خاله های پدر یا مادر یا هر دوی آنها و همچنین خاله های پدر و مادر اگر چه بالا روند .

۶ - دختر برادر

و اما دختران برادر چه برادر پدر یا مادر یا هر دوی آنها .

۷ - دختر خواهر

دختر صلبی یا دختر دختر یا دختر پسر و دختران آنها و هر چه پایین رود^۱.

در مقابل ۷ گروه از مردان نیز برای زنان حرام می شود :

۱ - پدران

پدر و پدر بزرگ هر چه بالاتر برود پدری باشد یا مادری .

۲ - پسران

پسر و نوادگان پسری هر چه پایین رود .

۳ - برادر

برادرهایی که از طرف پدر باشند یا مادر یا هر دوی آنها (پدری یا مادری) بالاتر و پایین

تر.

۴ - عمو

برادرهای پدر و پدربزرگ و هر چه بالاتر رود چه بالا روند.

۵ - دایی

دایی های پدر یا مادر یا هردوی آنها و همچنین دایی های پدر و مادر اگر چه بالا روند .

۶ - پسر برادر

پسران برادر چه برادر پدر یا مادر یا هر دوی آنها .

۷ - پسر خواهر

پسر صلبی یا پسر پسر یا پسر دختر و پسران آنها و هر چه پایین رود .^۱

سلسله مراتب ارحام

در رساله حقوق امام سجاد (ع) آمده است :

حقوق ارحام ، متعدد و متنوع است و بر حسب میزان قرابت و پیوند نسبی ایشان تنظیم می شود . واجب ترین این حقوق ، حق مادر و پس از آن حق پدر و در مرحله سوم ، حق اولاد و در مرحله بعد ، حق برادران است . بر این اساس حقوق دیگر خویشان بر پایه میزان قرابت آنها تعیین می شود .^۲

امام صادق (ع) در حدیثی فرمودند :

هر کس که از حسب و نسب خود بیزاری جوید به پروردگار یکتا کافر می گردد .^۳
با عنایت به حدیثی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم که فرمودند : الصَّدَقَةُ عَلَيَّ الْقَرَابَةُ صَدَقَةٌ وَ صِلَةٌ^۴ (صدقه به خویشاوندان ، هم صدقه است و هم صلہ رحم) دو نوع از مصادیق مالی را که بر افراد به حسب قرابت مصداق پیدا میکند را مطرح می کنیم .

۱- نفقه

نفقه در لغت

نفقه به فتح نون و فاء و قاف است از باب افعال (انفاق) و جمع آن نفاق و نفقات است و در لغت به معنی صرف و خرج ، و کسر و آنچه از دراهم ، کم و فانی شود ، آمده است .^۵

۱ - تحریر الوسیله ج ۲ ص ۲۶۳- ۲۶۵

۲ - ابن شعبه حرانی ، تحف العقول ص ۲۶۱

۳ - اصول کافی ج ۲ ص ۳۵۰ روایات ۱- ۳

۴ - تفسیر بیضاوی ، ص ۳۴

۵ - شریف ، نفقه و تمکین در حقوق خانواده ، ص ۲۹

نفقه در لغتنامه دهخدا به معنای خرج هر روزه ، خرج نمودن درهم و مانند آن ، آمده است^۱ و همچنین نفقه به معنای هزینه و توسعه می باشد.

نفقه در اصطلاح

نفقه در اصطلاح شرع ، عبارت است از : چیزی که زن برای معیشت به آن نیازمند است ، مانند طعام ، لباس ، مسکن و آنچه میان مردم متعارف می باشد.^۲

قانون مدنی نیز در ماده ۱۱۰۷ نفقه را اینگونه بیان می کند : مسکن ، البسه ، غذا ، اثاث البیت خادم در صورت عادت داشتن زن به خادم و یا بیمار بودن او.^۳

اسباب نفقه

۱- زوجیت

۲- قرابت

۳- مالکیت^۴

در این مجال قرابت مد نظر است که در این باره بحث می گردد.

طبق ماده ۱۲۰۰ قانون مدنی ((نفقه ابوین با رعایت الاقرب فالاقرب به عهده اولاد و اولاد اولاد است.)) بنابراین نفقه پدر و مادر فقیر در درجه اول به عهده اولاد است. اگر پدر و مادر فقط یک فرزند داشته باشند ، همه نفقه به عهده اوست و اگر چند فرزند داشته باشند ، به طور مساوی به پدر و مادر خود نفقه خواهند داد، یعنی مشترکا و به نسبت برابر ، باید مخارج زندگی پدر و مادر خود را بپردازند و از این لحاظ تفاوتی بین دختر و پسر نیست .

هر گاه شخص ، فرزند بلا فصل نداشته باشد ، نفقه او به عهده اولاد اولاد خواهد بود . به تعبیر دیگر ، نفقه اجداد و جدات فقیر به عهده نوه هاست و در این مورد نیز رعایت الاقرب فالاقرب لازم است ، یعنی اگر اولاد اولاد از لحاظ درجه قرابت برابر باشند ، از نظر تکلیف به انفاق نیز برابر خواهند بود و در صورت تفاوت آنها از لحاظ درجه قرابت ، نفقه به عهده شخص یا اشخاصی خواهد بود که از لحاظ خویشاوندی به مستحق نفقه نزدیک ترند . بنابراین ، اگر مستحق نفقه هم نوه و هم نتیجه داشته و هر دو توانگر باشند ، فقط نوه مکلف به دادن نفقه است.

دادن نفقه بر والدین ، هر قدر بالا روند ، و فرزندان ، هر قدر پایین روند ، واجب^۱ و بر سایر

۱ - علی اکبر دهخدا ، لغت نامه دهخدا ، ص ۶۷۳

۲- اندیشه های حقوقی حقوق خانواده آیت الله بجنوردی ص ۲۹۵

۳- ناصر کاتوزیان ، قانون مدنی در نظم حقوق کنونی ، ماده ۱۱۰۷

۴- فقه استدلالی سید مهدی دادمزی ص ۴۸۲

خویشاوندان مستحب است و تنها پرداخت نفقه کسی واجب است که توان اشتغال ندارد.^۲

تعریف اقارب

اقارب، از لحاظ لغوی از امور اضافی هستند، یعنی ممکن است همان چیزی که قریب است در جای دیگر بعید باشد. اقارب جمع اقرب است و به کسی گفته می شود که طولاً یا عرضاً به شخص دیگری منسوب باشد و به عبارت دیگر، نسبت توالد و تناسلی داشته باشد.^۳ اقارب، عبارت است از خویشاوندان نسبی و سببی و رضاعی که قرابت نسبی به سبب خون، قرابت سببی به واسطه ازدواج و قرابت رضاعی به علت شیر دادن به دست می آید. قرابتی که بتوان در آن الزام به انفاق را در صورت احتیاج درخواست کرد، منحصر به بعضی از اقارب نسبی می باشد. مطابق ماده ۱۱۹۶ قانون مدنی: در روابط بین اقارب فقط اقارب نسبی در خط عمودی اعم از عودی، نزولی ملزم به انفاق یکدیگرند.^۴

خویشاوندان در خط عمودی

اشخاصی که کسی از آنان متولد شده آنان را اقارب و خویشاوندان عمودی صعودی آن شخص می نامند. کسانی که آنان از شخص متولد شده اند، خویشاوندان نزولی آن شخص گویند. بنابراین فقط خویشاوندان عمودی اعم از صعودی یا نزولی عبارتند از: اولاد، ابویین و اجداد که حق انفاق بر یکدیگر را دارند.

بنابراین، اقارب واجب النفقه تنها آباء و اولاد هستند؛ یعنی برادران، خواهران، عموها و دایهها نیز از اقارب هستند ولی واجب النفقه نیستند که در صورت نداشتن و بی چیز بودن، انفاق به آنها مستحب است.

تعریف نفقه اقارب

نفقه اقارب، عبارت است از مسکن، البسه، غذا و اثاث البیت به قدر حاجت با در نظر گرفتن درجه ی استطاعت منفق.^۵

نفقه چه کسانی بر نفقه اقارب مقدم است؟

۱- نفقه خود بر نفقه دیگران مقدم است: هر گاه شخص فقط نفقه خود را داشته

۱- ماده ۱۱۹۶ قانون مدنی: در روابط بین اقارب فقط اقارب نسبی در خط عمودی، اعم از صعودی یا نزولی به انفاق یکدیگرند.

۲- ماده ۱۱۹۷ قانون مدنی: کسی مستحق نفقه است که نداشتن و نتواند به مسیله اشتغال به شغلی وسایل معیشت خود را فراهم سازد.

۳- سید حسین صفایی و اسدالله امامی، حقوق خانواده، ج ۲

۴- ناصر کاتوزیان قانون مدنی در نظم کنونی ص ۷۳۳

۵- ناصر کاتوزیان قانون مدنی در نظم کنونی ص ۷۳۳

باشد و متمکن از دادن نفقه به اشخاص دیگر نباشد، نفقه خود او مقدم است. غریزه حب ذات و وظیفه حفظ نفس اقتضا می‌کند که نفقه خود شخص بر نفقه دیگران مقدم باشد. فقهای امامیه به این قاعده تصریح کرده و آن را یک قاعده شرعی و عرفی به شمار آورده اند.^۱

۲- نفقه زوجه بر نفقه اقارب مقدم است: طبق ماده ۱۲۰۳ قانون مدنی که مبتنی بر فقه امامیه است، «در صورت بودن» زوجه و یک یا چند نفر واجب‌النفقة دیگر، زوجه مقدم بر همه آنان را تامین کند، نفقه زنش مقدم است. ۲

۳- اقارب خط نزولی بر اقارب خط صعودی از لحاظ نفقه مقدمند: ماده ۱۲۰۲ قانون مدنی می‌گوید: «اگر اقارب واجب‌النفقة، متعدد باشند و منفق، نتواند نفقه همه آنها را بدهد، اقارب در خط عمودی نزولی مقدم بر اقارب در خط عمودی صعودی خواهند بود.» بنابراین، اگر کسی پدر و مادر و اولاد فقیر داشته باشد و نتواند نفقه همه آنان را تامین کند، اولاد که از اقربای خط نزولی هستند، بر پدر و مادر که اقربای خط صعودی محسوب می‌شوند، مقدمند. فلسفه تقدم خویشان خط نزولی بر خویشان خط صعودی شاید این باشد که شخص سبب ایجاد خویشان دسته اول شده و منفق و عرف اقتضا می‌کند که وسائل زندگی آنان را فراهم آورد.

قابل ذکر است که قانون مدنی در ماده ۱۲۰۲ از فقه امامیه پیروی نکرده است، زیرا فقهای امامیه گفته اند، اقربای خط صعودی با اقربای خط نزولی در صورت تساوی درجه قرابت، در نفقه شریک خواهند بود. بنابراین پدر و مادر با اولاد و همچنین اجداد با اولاد اولاد در گرفتن نفقه شریک خواهند بود و اولاد بر پدر و مادر و نیز اولاد اولاد بر اجداد مقدم نمی‌شوند زیرا از لحاظ درجه قرابت در یک ردیف هستند و فقط بعضی از فقهاء گفته اند اگر یکی از اقارب برابر در درجه دوم، احتیاج بیشتری به نفقه داشته باشد، مانند فرزند صغیر، متحمل است که او مقدم باشد، زیرا نفقه اقارب برای رفع احتیاج آنهاست، پس کسی که احتیاج بیشتری داشته باشد اولی است.^۳

هر گاه شخصی چند خویشاوند واجب‌النفقة، در یک خط و در یک درجه، داشته باشد، مانند پدر و مادر (در خط صعودی) با چند پسر و دختر (در خط نزولی) و نتواند نفقه همه آنان را در حدود رفع احتیاج و شئون آنان بدهد، تکلیف چیست؟ در این صورت باید در حدود استطاعت خود، قسمتی از احتیاجات آنان را تامین کند و شک نیست که اقربای یک خط اعم از زن و مرد

۱ - جواهر کتاب نکاح، فصل نفقه زوجه، ص ۲۶۶ فصل نفقه اقارب ص ۲۶۸ چاپ جدید ج ۳۱، ص ۳۶۵

۲ - دکتر امامی ج ۵ ص ۲۳۳

۳ - جواهر باب نفقه

از لحاظ نفقه برابرد و نمی توان بین آنان فرق گذاشت. به تعبیر دیگر، نفقه، بین آنان به طور مساوی تقسیم خواهد شد. هر گاه خویشان واجب النفقه ای که از لحاظ درجه قرابت برابر هستند، به علت کثرت آنان و قلت نفقه، نتوانند همگی از نفقه منتفع شوند و به تعبیر دیگر هر گاه نفقه به قدری کم باشد که شرکت آنان در نفقه نفعی برای هیچ یک نداشته باشد، اکثر فقهای امامیه توسل به قرعه را موجه دانسته اند. و همین نظر با توجه به اصل ۱۶۷ قانون اساسی، در حقوق امروز هم پذیرفتنی است.^۱

اگر اقربای واجب النفقه یک خط از لحاظ درجه قرابت متفاوت باشند مانند پدر و جد (در خط صعودی) یا اولاد و اولاد اولاد (در خط نزولی) کسانی که از لحاظ قرابت نزدیکترند در نفقه، مقدم خواهند بود. بنابراین پدر بر جد پدری و اولاد بر اولاد اولاد مقدمند، و جد یا اولاد اولاد هنگامی مستحق نفقه خواهند بود که چیزی زائد بر نفقه پدر یا اولاد وجود داشته باشد. به طور کلی در اینجا هم قاعده الاقرب فالاقرب، باید رعایت شود. فقهای امامیه به این نکته تصریح کرده اند.

خصوصیات و ضمانت اجرای نفقه اقارب

۱- نفقه اقارب ناظر به آینده است

طبق ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی ((... اقارب فقط نسبت به آتیه می توانند مطالبه نفقه نمایند.)) این قاعده مبتنی بر فقه اسلامی است و خلاقی در این مساله بین فقهای امامیه دیده نشده، بلکه ادعای اجماع بر آن شده است و فلسفه اش این است که نفقه اقارب برای رفع احتیاج است و هر گاه احتیاج به نحوی رفع شده باشد، دیگر تکلیفی برای منفق نخواهد بود.

۲- کسی مستحق نفقه است که فقیر باشد

ماده ۱۱۹۷ قانون مدنی، درباره شرط فقر در استحقاق نفقه، می گوید: ((کسی مستحق نفقه است که ندار بوده و نتواند به وسیله اشتغال به شغلی وسائل معیشت خود را فراهم سازد.))

۳- کسی ملزم به انفاق است که متمکن باشد

ماده ۱۱۹۸ ق.م در این زمینه می گوید: ((کسی ملزم به انفاق است که متمکن دادن نفقه باشد، یعنی بتواند نفقه بدهد، بدون اینکه از این حیث در وضع معیشت خود، دچار مضیقه گردد. برای تشخیص تمکن باید کلیه تعهدات و وضع زندگانی شخصی او، در جامعه، در نظر گرفته شود.))

۴- نفقه اقارب یک تکلیف متقابل است

نفقه اقارب یک تکلیف متقابل است (بر خلاف نفقه زوجه)، یعنی خویشانی که ملزم به

انفاق یکدیگرند ، در صورت فقر یکی و تمکن دیگری ، این تکلیف را متقابلاً دارا هستند. یکی دیگر از مباحث مالی خویشاوندان عاقله است که در این مجال به آن می پردازیم.

۲ - عاقله

عاقله عبارت است از پدر ، پسر و بستگان ذکور نسبی پدری و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث است . همه کسانی که در زمان فوت می توانند ارث ببرند به صورت مساوی مکلف به پرداخت دیه می باشند.^۱

هر گاه در جنایت عمدی ، به علت مرگ یا فرار ، دسترسی به مرتکب ممکن نباشد با درخواست صاحب حق ، دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت می شود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد در خصوص قتل عمد ، ولی دم می تواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا عدم دسترسی به آنها ، یا عدم تمکن آنها ، دیه از بیت المال پرداخت می شود و در غیر قتل ، دیه بر بیت المال خواهد بود . چنانچه پس از اخذ دیه ، دسترسی به مرتکب جنایت اعم از قتل و غیر قتل ، ممکن شود در صورتی که اخذ دیه به جهت گذشت از قصاص نباشد ، حق قصاص حسب مورد برای ولی دم یا مجنی علیه محفوظ است ، لکن باید قبل از قصاص ، دیه گرفته شده را برگرداند.^۲

عاقله در چه صورت مسئول است؟

عاقله در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن نسب مشروع ، عاقل ، بالغ و در مواعد پرداخت اقساط دیه ، تمکن مالی داشته باشد.^۳ عاقله ، مکلف به پرداخت دیه جنایت هایی که شخص بر خود وارد می سازد نیست^۴ ، عاقله تنها مکلف به پرداخت دیه خطای محض است ، لیکن ضامن اتلاف مال که به طور خطایی تلف شده است نمی باشد.^۵ هر گاه دو یا چند نفر به نحو اشتراک مرتکب جنایت موجب دیه گردند ، حسب مورد هر یک از شرکاء یا عاقله آنها به طور مساوی مکلف به پرداخت دیه است.^۶

البته در زمان حاضر قوانین مربوط به عاقله اجرایی نمی شود.

۱- ماده ۴۶۸ قانون مجازات اسلامی

۲- ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی

۳- ماده ۴۶۹ قانون مجازات اسلامی

۴- ماده ۴۶۵ قانون مجازات اسلامی

۵- ماده ۴۶۶ قانون مجازات اسلامی

۶- ماده ۴۵۳ قانون مجازات اسلامی

حدِّ صلہ رحم کجاست؟

در این مجال با استفاده از آیات قرآن کریم حد صلہ رحم را مشخص می‌نماییم .

۱- وَ لَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ بِهِ وَ أَقْوَا الْكَيْلَ وَ الْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ إِذَا قُلْتُمْ ۱۰۰۰

به مال یتیم نزدیک نشوید مگر به شیوه ای که بهتر باشد، تا زمانی که به کمال بلوغش برسد، و در کار پیمانه و ترازو به داد و ستد رفتار کنید، که ما بر هیچ کس جز به اندازه توانش تکلیف نمی‌نماییم ۰۰۰

از آیه فوق استفاده می‌شود که وجوب صلہ ارحام و حرمت قطع آن تا جایی است که منجر به خلاف شرع، بدعت، تغییر احکام و تضییع اموال مردم مخصوصاً ایتم نشود و به تعصب نرسد،^۲ همچنین آیه گویای آن است که در اقرار، شهادت، قضاوت، وصیت و امر به معروف و نهی از منکر اگر چه طرف مقابل از خویشاوندان نزدیک باشد، باید به عدالت سخن گفت.^۳

۲- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.^۴

ای کسانی که ایمان آورده اید، نباید پدران و برادرانتان را اگر کفر را بر ایمان گزیده باشند، دوست بدارید، و هر کس از شما آنان را دوست بدارد، ستمکار است.

فرمایش الهی و پیامبر خدا (ص) و معصومین (ع) را تکذیب نموده و کافر محسوب گردیده اند، ممنوع است، و روایات فراوان نیز تاکید دارند که نباید به چنین افرادی اگر چه پدر، برادر، همسر، فرزند، فامیل و ۰۰۰ باشند محبت داشت.^۵

۳- وَ نَادَى نُوْحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَ إِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَ أَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ، قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ.^۶

و حضرت نوح پروردگارش را صدا زد و گفت: پروردگارا! پسر من از کسان من است، و قطعاً وعده تو راست است و تو بهترین داورانی. خداوند فرمود: ای نوح! او از خویشان تو نیست، او دارای کرداری ناشایسته است.

از این آیه چنین استفاده می‌شود که خویشی تا جایی است که به دشمنی پروردگار و

۱ - سوره انعام آیه ۱۵۲

۲ - تفسیر المیزان ج ۷ ص ۳۷۶

۳ - مجمع البیان ج ۴ ص ۵۹۳، التبیان ج ۴ ص ۳۱۹

۴ - سوره توبه آیه ۲۳

۵ - مجمع البیان ج ۵ ص ۲۵، التبیان ج ۵ ص ۱۹۵

۶ - سوره هود آیه ۴۵ و ۴۶

معصومین (ع) کشانده نشود. و مراد از ((او از خویشان تو نیست)) نفی فامیلی نیست، بلکه نفی اهلیت است یعنی از اهل دین تو نیست و اهل تو کسانی هستند که بر دین تو باشند، و اینکه کفر، او را از حکم اهل (و صله رحم) خارج کرده است؛ زیرا می فرماید: ((او دارای کرداری ناشایسته است. همان گونه که پیروی، بلال سیاه حبشی را در زمره خاندان پیامبر قرار داده، و مخالفت و دشمنی با دین، ابولهب قریشی (عموی پیامبر (ص)) را از این حوزه خارج کرد.^۱

با توجه به آیه ۶ سوره احزاب و ۷۵ سوره انفال می توان فهمید که میان خویشاوندان سلسله مراتبی وجود دارد، به عبارت دیگر خویشاوندان نزدیکتر در ارث بری و صله رحم مقدم و از اهمیت بیشتری برخوردارند و نسبت به صله در اولویتند.

چگونگی پیوند با خویشاوندان

خداوند در آیات قرآن منجمله آیات ذیل چگونگی پیوند با خویشاوندان را اینگونه بیان می کند:

۱ - كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ.^۲

بر شما مقرر شده است که چون یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر مالی بر جای گذارد، برای پدر و مادر و خویشاوندان خود به طور پسندیده وصیت کند.

۲ - وَ لِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانُ وَالْأَقْرَبُونَ ...^۳

و از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان و کسانی که شما با آنان پیمان بسته اید، بر جای گذاشته اند، برای هر یک، وارثانی قرار دادیم پس نصیبشان را به ایشان بدهید.

۳ - وَ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا وَ بِذِي الْقُرْبَى ...^۴

و خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و مادر و خویشاوندان و یتیمان ... نیکی کنید.

صله رحم واجب است یا مستحب؟

با استناد به آیات فوق متوجه می شویم که صله رحم یکی از واجبات شرعی و نوع آن واجب عینی است زیرا در واجب عینی بر همه مکلفان واجب است که آن واجب را انجام دهند و

۱ - بحار الانوار ج ۱۱ ص ۳۰۵، مجمع البیان ج ۵ ص ۲۵۳، التبیان ج ۵ ص ۴۹۴، المیزان ج ۱ ص ۲۳۴

۲ - سوره بقره آیه ۱۸۰

۳ - آیه ۳۳ سوره نساء

۴ - آیه ۳۶ سوره نساء

فرد مکلف نمی تواند به علت آن که دیگران آن را انجام داده اند تکلیفش را انجام ندهد.^۱ نمازهای روزانه، روزه، حج^۲، نیکی به پدر و مادر، صلہ رحم، وفای به عهد و زکات^۳ جزء واجبات عینی هستند.

عالمان اصول فقه می گویند در مواردی که دلیلی نداریم که امر خداوند به گونه وجوب کفایی است یا واجب عینی، باید بنا را بر آن بگذاریم که واجب عینی است^۴، زیرا عقل حکم می کند زمانی که مطمئن نیستیم انجام دادن امر خداوند به وسیله دیگران سبب خارج شدن آن از عهده ما می شود، باید به آن امر عمل کنیم.^۵

شیوه‌های صلہ رحم

با استفاده از آیات قرآن و روایات های ائمه معصوم، شیوه های صلہ رحم را به چهار دسته می توان تقسیم کرد:

الف) زبانی: کارهایی چون سلام کردن و رد سلام و فرستادن سلام (از طریق واسطه) جزو صلہ رحم زبانی به شمار می آید، آیه ۸۶ سوره نساء گویای این مطلب است:

وَ إِذَا حُتِّمَ بِتَحِيَّهِ فَحَيِّوْا بِأَحْسَنِ مِنْهَا أَوْ رُدُّوْهَا.....

چون به شما درود گفته شد، شما بهتر از آن درود گویند یا همان را در پاسخ برگردانید. دعا کردن در حق خویشان، به نیکی یاد کردن از آنان و دوری از غیبت، تهمت، فحش، بدگویی و خبر چینی درباره آنان نیز از مصداق های صلہ رحم زبانی به شمار می رود.

ب) فعلی: دید و بازدید، گفت و گوی حضور با خویشاوندان، رلقتن به خانه آنها و دعوت از آنها، نوشتن نامه برای بستگان در سفر، مسافرت برای دیدار با خویشان، گشاده رویی و مصافحه، در برخورد با آنها، قهر نکردن و پیشی گرفتن در برقراری دوستی دوباره با آنها هنگام قهر و کدورت، عیادت از بیمار، شرکت در تشییع جنازه و مجالس بزرگداشت درگذشتگان، پذیرفتن دعوت، اصلاح مفاسد و دفع ستم از بستگان، برآوردن حاجت آنها پیش از بیان کردن و شریک بودن در شادی و غم آنها را می توان از موارد صلہ رحم فعلی دانست.

ج) قلبی: آرزوی قلبی برای سعادت مندی خویشان در دنیا و آخرت، دعا برای دفع بلاهای دنیوی و اخروی، آرزوی تداوم نعمت های موجود، محبت ورزی به آنان و به یاد

۱ - مظفر، اصول الفقه، ۱۴۳۰ ج ۱ ص ۱۴۰، ولایی فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول، ۱۳۸۷ ش ص ۳۳۶

۲- حسینی الدلیل الفقہی ۲۰۰۷ م، ص ۳۰۱

۳- المعجم، موسوعه مصطلحات اصول الفقه عند المسلمین ۸۹۹۸، ج ۲، ص ۱۶۹۰

۴- آخوند خراسانی، کفایه الاصول ۱۴۰۹ ق ص ۲۵۲، سبحانی الوسیط، ۱۳۸۸، ش، ج ۱ ص ۱۰۰

۵ - مظفر، اصول الفقه، ۱۴۳۰ ق، ج ۱، ص ۱۲۴ - ۱۲۵

یکدیگر بودن ، از موارد صله رحم قلبی است .

د) مالی : کمک مالی بلاعوض برای رفع مشکلات خویشان ، دادن هدیه به خویشان در مناسبت های خاص ، هزینه کردن مال خویش برای رفع کدورت ها و اختلافات ایشان ، مواسات با آنها در مال ، حفظ اموال خویشان و وارد نکردن خسارت های مالی به آنها و پرداخت صدقه های مالی به آنها و پرداخت صدقه های مالی به نیابت از آنها ، از نمونه های صله رحم مالی به شمار می آید.

نتیجه گیری

مردمان زمان ما را باید افرادی بیگانه با هم دانست که به موجب اموری چند ناچار از زندگی در کنار یکدیگرند. علت این بیگانگی گاهی امور جبری اجتماعی ، و زمانی هم وضع آشفته ی زندگی ها و اعتقادات آنهاست . دنیا طلبی و خودخواهی و فخر فروشی ها نیز روابط آنها را سرد و تیره تر ساخته است . چه فامیل ها که در پی سر گرم بودنشان به زندگی خود ، از هم دور افتاده ، یا برای هم ناشناخته مانده اند . نه کسی سراغ دیگری را می گیرد و نه احوالی از هم می پرسند. گویی هیچ یک از هم خبر ندارند و نیازمند یکدیگر نیستند.

بی سبب نیست که رسول خدا (ص) در گفتاری از بیمناک بودن خود به اینکه روزی امتش به چنین بلایی گرفتار خواهند شد خبر داده است و آن را یکی از علایم ظهور فرزندش حضرت حجت بن الحسن العسکری - عجل الله تعالی فرجه الشریف - اعلام فرموده است.^۱

همچنین رسول خدا (ص) فرموده است : ((یکی از علائم پایان عمر دنیا و شروع قیامت ، بد رفتاری با همسایه و قطع صله و پیوند خویشاوندی و ... است)).^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱ - نواب الدهور فی علائم الظهور ج ۱ ص ۱۵۶ به نقل از مجمع الزوائد باب اماره السفهاء و الصبیان

۲ - اصول کافی ج ۲ ص ۳۵۰

فهرست منابع

قرآن کریم

- ۱- امام خمینی / تحریر الوسیله
- ۲- امامی اسداله و صفائی سید حسین / حقوق خانواده/ ۱۳۹۱/ دانشگاه تهران
- ۳- ابی القاسم الحسین بن محمد معروف به راغب اصفهانی / مفردات راغب / بیروت الدارالشامیه
۱۴۱۶ ق = ۱۹۹۶ م = ۱۳۷۴ / دمشق - دارالقلم
- ۴- ارگانی بهبهانی حائری محمود / آداب معاشرت با خویشاوندان / پیام مهدی
- ۵- آخوند خراسانی / کفایه الاصول / ۱۳۸۲ = ۱۴۲۴ ق / جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- ۶- آیت اله بجنوردی / اندیشه های حقوقی حقوق خانواده / ۱۳۸۷ / مجد
- ۷- بیضاوی ناصر الدین عبدالله / تفسیر بیضاوی / ۱۳۹۰ / خانه کتاب ایران
- ۸- بیتس دانیل / فرد پلاگ، مترجم محسن ثلاثی / انسان شناسی فرهنگی
- ۹- پژوهشهای قرآنی / دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
- ۱۰- حسینی / الدلیل الفقہی / ۱۴۱۸ ق / مرکز ابن ادریس الحلّی للدراسات الفقہیہ / دمشق - السوریہ
- ۱۱- حرانی / ابن شعبه / سید باقر میر عبدالهی / تحف العقول / ۱۳۹۵ / موسسه فرهنگی دارالحدیث
- ۱۲- دهخدا / علی اکبر / لغت نامه دهخدا / ۱۳۷۷ / انتشارات دانشگاه تهران / چاپ اول / تهران
- ۱۳- دادمزی / سید مهدی / فقه استدلالی / ۱۳۹۹ / مجد
- ۱۴- رفیع العجم / موسوعه مصطلحات الفقه عند المسلمین / ۱۹۹۸ / مکتبه ناشرون
- ۱۵- سبجانی / شیخ جعفر / الوسیط / ۱۳۸۸ / موسسه فرهنگی هنری دانش پذیر
- ۱۶- شرف الدین / سید حسین / تحلیل اجتماعی صلوات / ۱۳۹۲ / بوستان کتاب قم
- ۱۷- شریف / نفقه و تمکین در حقوق خانواده / ۱۳۹۸ / سنجش و دانش
- ۱۸- طبرسی / مجمع البیان / ۱۳۸۴ / ناصر خسرو
- ۱۹- طوسی / التبیان / ۱۳۸۹ / آل البيت
- ۲۰- طباطبایی / سید محمد حسین / تفسیر المیزان / ۱۳۷۸ / جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- ۲۱- عمید / حسن / فرهنگ عمید / ۱۳۹۰ / انتشارات امیر کبیر

- ۲۲- فرید/ محمد صادق/ درآمدی بر خانواده و خویشاوندی/ ۱۳۹۵/ دانژه
- ۲۳- کلینی/ اصول کافی/ ۱۳۹۵/ انتشارات دارالحدیث قم
- ۲۴- کاشانی/ ملا محسن فیض/ محجه البیضاء/ ۱۳۹۶/ انتشارات فردوش
- ۲۵- کاتوزیان/ ناصر/ قانون مدنی در نظم کنونی/ ۱۳۹۹/ میزان
- ۲۶- گلستانه/ سید علاء الدین محمد/ منهج الیقین/ ۱۳۹۳/ هشت جاوید
- ۲۷- مجلسی/ محمد باقر/ بحار الانوار/ ۱۳۸۶/ اسلامیة
- ۲۸- مظفر/ اصول الفقه/ ۱۳۹۵/ حوزه علمیه قم
- ۲۹- میر جهانی/ سید حسن/ نوائب الدهور فی علائم الظهور/ ۱۳۸۰/ کتابخانه صدر
- ۳۰- معاونت حقوقی ریاست جمهوری/ قانون مجازات اسلامی/ ۱۳۹۸
- ۳۱- نجفی/ جواهر الکلام/ ۱۳۹۵/ خرسندی
- ۳۲- ولایی/ عیسی/ فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول/ ۱۳۹۹/ نشرنی.

